آشنايي با طريقت

بسم الله الرّحمن الرّحیم

با سپاس از خداوندی که بر ما منّت نهاد و به ما هستی داد تا او را عبادت کنیم و معرفتش را حاصل نماییم و با صلوات بر روح گرانقدر سرور عالم خلقت، ختمی مرتبت، حضرت محمّد مصطفی ﷺ.

برای تصفیه و تزکیهٔ نفس بهترین روش، اختیار نمودن سلوک و کسب باطنی است؛ همان راهی که مشایخ اهل تصوّف در پیش گرفته‌اند؛ کسانی که حقیقتاً از صفات بشری رهایی یافته و متّصف به صفات محبوب باری تعالی شده اند، ایشانند که سیر و سلوک را در خدمت شریعت ناب محمّدی ﷺ قرار داده‌اند و از هر گونه بدعت‌های ناپسند پرهیز می کنند.

از مشهورترین گروه‌ها و نهضت‌های تصوّفی می‌توان از طرق مبارک نقشبندیّه، قادریّه، چشتیّه و سهروردیّه نام برد که مؤسّسان و بانیان این

سلاسل در راه تزکیهٔ نفوس و دعوت خلق به سوی مولای حقیقی از جان و مال خویش مایه گذاشته‌اند.

طریقهٔ نقشبندیّه مناسب‌ترین طریقه برای کسب و سلوک و تهذیب باطنی است. مدار این طریقه، اتباع سنّت و اخلاص به شیخ مقتداست. در این طریقه احتیاج به چلّه و تشدّد در طاعت نیست؛ بلکه عشق و محبّت است که سالک را به مدارج وصول می‌رساند.

بدیهی است هر علم و روشی تعریفی دارد و نیز هدفی و موضوعی که با توجّه به آنها می‌توان به اهمیّت آن علم یا روش پی برد و به جایگاهش در روند سعادت دارین واقف گردید؛ بنابراین ابتدا به بیان تعریف، هدف و موضوع طریقت می‌پردازیم.

الف) تعریف طریقت

اَلطَّرِیْقَةُ فِی الْاِصطلاح: الْاِقْتِدَاءُ بِاَوْلِیَاءِ اللهِ الصَّادِقِیْنَ مِنْ كَثْرَةِ الذِّكْرِ وَ الْفِكْرِ وَ الْمُجَاهَدَةِ وَ الصُّحْبَةِ وَ غَیرِها مِنْ سِیْرَتِهِمُ الْمُثْلَی وَ طَرِیْقَتِهِمُ الْحُسْنَی الْمَاْخُوْذَةِ مِنَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ ـ علی صاحبها و آلهِ وَ صَحبهِ الف الصلوات و التّسلیمات ـ لِلنَّیْلِ اِلَی تَزْكِیَةِ النَّفْسِ عَنِ الرَّذَائِلِ وَ تَحَلِّیَتِهَا بِالْفَضَائِلِ.

طریقت در اصطلاح عبارت است از اقتدا به روش اولیای راستین الهی از قبیل کثرت ذکر و فکر و مجاهده و همنشینی با اهل الله و غیر آن از سیرهٔ برگزیده و روش نیکوی آنان، که از کتاب خدا و سنّت رسول‌اکرمﷺ گرفته شده است، برای رسیدن به تزکیهٔ نفس از صفات ناشایست، مانند ریا، عجب، کبر و ... و آراسته شدن به صفات پسندیده، مانند محبّت غالب به الله جلّ جلاله و رسول‌اکرمﷺ و اولیای کرام، توکّل و حضور مع الله، رضا به قضای الهی و ... .

ب) هدف طریقت

غَرَضُهَا: تَزْکِیَةُ النَّفْسِ عَنِ الرَّذَائِلِ وَ تَحَلِّیْتِهَا بِالْفَضَائِلِ.

مقصد طریقت، تزکیهٔ نفس از صفات زشت و آراستن آن با صفات شایسته است.

ج) موضوع طریقت

موضوعُها: معرفةُ النَّفْسِ ما لَها مِن الصّفات الحمیدة الخفیَّةِ وَ مَا علیها مِن الصّفات الرَّذیلةِ الْمُضْمِرَةَ.

موضوع آن، شناختن نفس است، آنچه از صفات پسندیدهٔ پنهانی که به نفع اوست و هر آنچه از صفات رذیلهٔ پوشیده‌ای که به ضررش می‌باشد.

بنابراین طریقت راهی است برای رسیدن به تزکیهٔ نفس، همان گوهری که خداوند ﷻ سعادت و رستگاری انسان را در آن بیان فرموده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا﴾[1].

و زیان و بی‌بهره ماندن بشر را در عدم آن بیان داشته و فرموده است: ﴿وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا﴾[2]. بنابراین بر هر فرد مسلمان، لازم است که به تزکیهٔ نفسش بپردازد تا رستگار گردد؛ از این رو باید از ریا که طبق فرمایش رسول‌اکرم ﷺ شرک خفی است و از حبّ دنیا پاک گردد؛ زیرا «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيْئَةٍ»[3] «محبّت دنیا، منشأ هر گناهی است».

باید از کبر و غرور دوری کند؛ چون ﴿إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡتَكۡبِرِينَ﴾[4] و از حسد بپرهیزد؛ زیرا آن حضرت ﷺ فرموده است: «اِيَّاكُمْ وَ الْحَسَدَ فَاِنَّ

---

۱. و قسم به نفس آدمی و به ذاتی که درست اندام نمود او را، پس در دلش انداخت گناهان او را و تقوای او را. همانا رستگار شد هر که پاک ساخت نفس خود را. شمس /۷ — ۹.

۲. به تحقیق که زیان‌بار شد هر آن‌که آن‌را به اسفل السافلین برد. شمس /۱۰.

۳. مشکوة المصابیح مع شرحه مرعاة المفاتیح، الفصل الثانی، ج۶، ص ۵۸۶.

۴. همانا خدای ﷻ متکبّران را دوست نمی‌دارد. نحل / ۲۳.

الْحَسَد يَاْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَاْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»[1] «از حسد بر حذر باشید؛ زیرا حسد، نیکی‌ها را می‌خورد، مانند اینکه آتش هیزم را می‌خورد».

همچنین از محبّت جاه و مقام پاکیزه شود؛ چون حق جَلَّ جَلالُه فرموده است: ﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗا﴾[2] و نیز از صفات ناشایست دیگر که سبب هلاکت انسان و به عبارتی، بتهای درونی و پنهانی‌اند، دوری کند.

آن هنگام که نفس از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها پاک گردید، دل آدمی به محبّت غالب الله جَلَّ جَلالُه و رسول‌خدا صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّم مزیّن می‌گردد و ایمان انسان کامل می‌شود؛ چون آن حضرت صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّم فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ اَحَدُكُمْ حَتَّى اَكُوْنَ اَحَبَّ اِلَيْهِ مِنْ وَّلَدِهِ وَ وَالِدِهِ وَ النَّاسِ اَجمعيْن»[3]. «ایمان کامل ندارد هیچ یک از شما تا اینکه من در نزد او محبوب‌تر از فرزند و پدر او و تمام مردم باشم».

---

۱. سنن ابی داود، باب فی الحسد، ج۱۳، ص۵٦؛ سنن ابن ماجه، باب الحسد، ج۱۲، ص۲۵۳.

۲. آن سرای واپسین را مقرّر می‌کنیم برای کسانی که نمی‌خواهند بزرگی و تکبّر را در زمین و نه فساد را. قصص /۸۳ .

۳. سنن النسائی، باب علامهٔ الایمان، ج۱۵، ص.۲۱۱

چنین انسانی به حقیقت توکّل می‌رسد؛ چون ﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ﴾[1] و به رضا به قضای الهی دست می‌یابد و صبور و شکیبا می شود و به آنچه از مصیبت‌ها از طرف خداوند ﷻ می‌رسد، کاملاً خشنود و راضی می گردد؛ زیرا ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾[2]. حافظ می گوید:

رضا به داده بده و ز جبین گره بگشا | که‌برمن‌وتو در اختیار نگشاده است
بیا که‌هاتف‌میخانه‌دوش با من گفت | که در مقام رضا باش وز قضا مگریز

و به خشوع و خضوع و حضور در عبادات می‌رسد؛ ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ﴾[3] و سرانجام به اخلاص کامل دست می‌یابد؛ ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ ...﴾[4].

شاید بسیاری تزکیهٔ نفس را ساده پنداشته و گمان برند که به آن رسیده‌اند و یا رسیدن به آن‌را خیلی آسان تصوّر کنند که این ناشی از عدم شناخت حقیقت صفات رذیله (ریا، عجب و کبر، بخل، حب جاه و ...) است؛ درست مانند آن مریضی که بیماری‌اش پوشیده است و چون ظاهراً

---

۱. و باید که مؤمنان بر خداوند توکّل کنند. مجادله / ۱۰.

۲. یقیناً خداوند با صابران است. بقره / ۱۵۳.

۳. به تحقیق که مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازشان خاشع‌اند. مؤمنون/۱ و ۲.

٤. و امر کرده نشده‌اند، مگر اینکه عبادت کنند خدای ﷻ را و خالص ساخته برای او پرستش را. بیّنه/٥.

دردی احساس نمی‌کند، خودش را سالم می‌پندارد. بنابراین برای اینکه این افراد بهتر به حقیقت صفات رذیله مهلکه پی ببرند و نیز بدانند که دل آدمی باید چگونه به صفات حمیده (توکّل، صبر و شکر، خضوع و خشوع در عبادات و...) متّصف گردد، آن‌ها را به مطالعهٔ کتاب **احیاء العلوم** نوشتهٔ حضرت امام محمّد غزالی، **حجّةالسّالکین** و **طریقةالرّاشدین** از تألیفات حضرت مولانا غوث‌محمّد نقشبندی مجدّدی دعوت می‌کنیم. بدون شک پس از خواندن آن مطالب، خواهند دانست که آنچه به نظرشان ساده می‌آید، امری بسیار دشوار و خطیر است اِلَّا مَنْ رَحِمَ اللهُ.

اکنون برای روشن شدن مطلب به حقیقت برخی از مسائل درونی انسان اشاره می‌کنیم. حضور قلب را در نظر بگیرید؛ ایمان به همان چیزی است که حضرت رسول‌الله ﷺ فرمودند: «آن اوّلین علمی است که از روی زمین برداشته می‌شود»[1]. بنابراین بر هر فردی لازم است که برای به دست آوردن این کیفیّت، سعی و تلاش کند تا عبادتی را که انجام می‌دهد، رستگاری وی را در پی داشته باشد.

---

۱. تربیتنا الروحیه، استاد سعید حوّی، ص ۲۵۳.

با رضا به قضای الله جل جلاله که عبارت است از اینکه انسان ضمن اینکه از اوجل جلاله می‌خواهد که آنچه طاقتش را ندارد بر او ننهد[1]، در مقابل بلاها و مصیبت‌هایی که از طرف خداوندجل جلاله به او می‌رسد، تسلیم باشد؛ چنانچه مولانای رومی می‌فرماید:

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جِدّ   بوالعجب من عاشق این هر دو ضد

این زمانی ممکن است که توحید انسان قوی گردد؛ به طوری که هیچ چیزی جز رضای الهی را نطلبد و فقط او را بجوید[2]. اگر از خداوندجل جلاله بهشت می‌طلبد، برای این باشد که رضای خداوندجل جلاله در آن است و اگر از جهنّم به او تعالی پناه می‌برد، برای این باشد که آن نشانهٔ عدم رضای حق‌جل جلاله است و چنانچه با کسی محبّت می‌کند، برای رضای اوجل جلاله و نیز اگر بر کسی خشم می‌گیرد، باز هم فقط جهت خشنودی اوجل جلاله باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: «مَنْ اَحَبَّ لِلَّهِ وَ اَبْغَضَ لِلَّهِ وَ اَعْطَی لِلَّهِ وَ مَنَعَ لِلَّهِ فَقَدِ اسْتَکْمَلَ الْاِیْمانَ»[3] (رواه ابوداود و الترمذی به سند حسن)

---

۱. اشاره به آیهٔ ۲۸۶ سورهٔ بقره «ربنا لا تحملنا ما لا طاقة لنا به».

۲. با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست   یا رضـای دوسـت باید یا هوای خویشتن

۳. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول صلی الله علیه وسلم، الشیخ منصور علی ناصف رحمه الله، ج۵، ص۷۸.

«هر کس به خاطر خداوند ﷻ دوستی ورزد یا دشمنی کند و برای الله ﷻ ببخشد یا دست نگه دارد، به تحقیق که ایمانش را کامل گرفته است».

آن وقت است که زبان حال فرد این عبارت را گویا خواهد بود: ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾[1] در این هنگام او از خود پرستی به خدا پرستی کامل رسیده است؛ یعنی فردی کاملاً مخلص گشته است.

امّا طریقت و عرفان اسلامی چگونه انسان را به مرحلۀ تزکیه می‌رساند، به آنجایی که فرد چیزی جز خدای ﷻ را نخواهد و اگر چیزی بخواهد، برای او بخواهد و از کبر به تواضع، از ریا به اخلاص و از غفلت به حضور و... بکشاند. این مطلبی است که در تعریف آن گذشت. اکنون به توضیح برخی از مهم‌ترین روش‌هایی که صوفیان و اهل طریق به آن ممتازند و سبب رسیدن به این مرحله است، می‌پردازیم.

الف) کثرت ذکر الهی

یقیناً ذکر بسیار، رستگاری را در پی دارد. چنانچه حق ﷻ می‌فرماید: ﴿وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾[2].

---

۱. همانا نمازم، مناسک حَجّم و زندگی و مرگم برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. انعام / ۱۶۲.

۲. خداوند را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید. جمعه / ۱۰.

بنابراین می‌بینیم که خداوندﷻ برای اینکه ما بندگان به رستگاری برسیم، ما را به کثرت ذکر امر می‌فرماید. پیغمبر اکرمﷺ نیز فرمودند: «جَدِّدُوْا اِیْمَانَکُمْ بِقَوْلِ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ»[1] «ایمانتان را با گفتن لا اله الا الله تجدید کنید».

هر چند آیات و احادیث بسیار دیگری در فضیلت ذکر و ذاکران وجود دارد؛ امّا از آنجا که مبنای این مقاله بر اختصار است به آیه و حدیث فوق بسنده می‌کنیم.

بزرگان می‌فرمایند: هنگامی که سالک می‌گوید: لا اله یعنی در جانب نفی کلمهٔ طیّبه، هر آنچه غیر حقﷻ که برای وی هدف و مقصود قرار گرفته ـ هر چند آن شیء حلال و مباح باشد ـ چون آن‌را برای خداﷻ نخواهد، باید آن را نفی کند و مقصود بودن آن‌را منتفی گرداند؛ زیرا بنده برای این آفریده شده است که اللهﷻ را بپرستد و فقط او و رضای او را بجوید.

هرچه غیر حق که آن مقصود توست   تیغ لا بر کش که آن معبود توست

---

۱. فیض الباری شرح صحیح البخاری، ج۲، ص۱۰٤.

و در جانب اثبات کلمهٔ طیّبه، یعنی اِلّا الله، معبود و مقصود بودن ذات خداوندﷻ و رضای اوﷻ را مدّ نظر داشته باشد. خداوندﷻ فرموده‌اند: ﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥ...﴾[1].

چون این ذکر را به کثرت با دل و زبان و یا فقط با دل تکرار نماید، به حقیقت توحید که قبلاً از آن یاد شد، می‌رسد و نفس او از تعلّقات ماسوی پاک می گردد و همین است معنی فرمایش سرور دو عالمﷺ: «ایمانتان را با بسیار گفتن لا اله الا الله تجدید کنید»؛ یعنی چندان بگویید که تعلّقات ماسوی از درون شما بیرون شود و مانع توجّه خالص و کامل قلب به او تعالی نگردد. بنابراین با مکرّر گفتن کلمهٔ طیّبه و پاک شدن از رذایل، ایمان‌تان تجدید می‌شود؛ یعنی قوی و قوی‌تر می گردد و الله تعالَی اَعلَم.

---

۱. نگهدار خود را همراه کسانی که می‌خوانند پروردگار خود را به صبح و شام، در حالی که رضای او را می‌خواهند. کهف / ۲۸.

ب) همنشینی با اولیاء الله

خداوند جل جلاله فرموده‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾[1]. خداوند جل جلاله در این آیهٔ شریفه به مؤمنان امر می‌کند که با صادقان باشند؛ آن‌هایی که همهٔ اعضا و جوارح و ظاهر و باطن‌شان بر تقوای الهی صادق است. همچنین خداوند جل جلاله فرموده‌اند: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...﴾[2].

همانطور که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کمالات و فضایل را از برکت مصاحبت با آن حضرت صلی الله علیه و آله حاصل نمودند؛ چون مصاحبت با آن حضرت صلی الله علیه و آله خود موجب رسیدن به درجات عالی و تزکیهٔ نفس بود. خداوند جل جلاله فرموده‌اند: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾. «اوست ذاتی که بر انگیخت در میان ناخواندگان پیامبری از ایشان؛ می‌خواند بر ایشان آیات او را و پاک می‌کند ایشان را و می‌آموزد آن‌ها را کتاب و دانش. مسلماً پیش از این در گمراهی آشکارا بودند. جمعه/ ۲.»

---

۱. ای کسانی که ایمان آوردید، بترسید از خدا و با راستان باشید. توبه/ ۱۱۹.

۲. از مؤمنان مردانی هستند که بر آنچه با خدا بر آن عهد بسته بودند، استوار ماندند. احزاب/ ۲۳.

همچنان که مصاحبت با ولی صادق، یعنی همـان عـالم ربّـانی و وارث انبیا ـ علیهم السّلام ـ که این فضیلت را از آن حضرتﷺ به ارث برده است، سبب تزکیه و تصفیه و رسیدن بـه مراحـل والای معنـوی مـی‌باشـد. پیـامبر اکرمﷺ فرموده‌اند: «اِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْاَنْبِيَاءِ»[1] «علما وارثـان پیامبراننـد». وارث کامل کسی است که از کلّیهٔ میراث متوفّی ارث ببرد. واضح است که علم مبارک پیامبر اکرمﷺ و دیگر انبیا ـ علیهم السّلام ـ تنها به احکـام ظـاهر شریعت محدود نمی‌شد؛ بلکه الله ﷻ به آن حضـرتﷺ و دیگـر پیـامبران ـ علیهم السّلام ـ علوم و معارف و فضائل دیگر را نیز که یکی از آن‌ها تزکیـه شدن نفوس به برکت مصاحبت ایشان است، عطا فرموده بـود؛ چنانچـه آیـهٔ فوق گواه این مدّعاست. بنابراین کسی وارث کامـل انبیـا ـ علـیهم السّـلام ـ می‌باشد که ضمن آگـاهی از احکـام شـریعت، از معـارف و فضـیلت تزکیـه نمودن نفوس بندگان ـ باذن الله ﷻ ـ نیز به وی توارثاً عطا گردیده باشـد کـه او همان عالم ربّانی و ولی صادق است.

---

۱. سنن ابی‌داود، باب الحث علی طلب العلم، ج۱۰، ص۴۹.

طریقهٔ نقشبندیّه

در مقدّمهٔ کتاب **قدسیه** آمده است: تصوّف نقشبندی، متابعت از سنّت نبوی است و آن تصوّف با اعتدال و وسط است که اساس آن، تطبیق با شریعت و اجتناب از بدعت می‌باشد. همچنین می‌گوید: یقیناً اعتدال سلوک نقشبندی و آنچه در آن از پیروی شریعت و آسانی طریقت است، سبب گسترش این طریقه، خصوصاً در بین علمای دین بوده است؛ از این رو قلب صوفی نقشبندی با خداوند ﷻ و جسم او با مردم است. حقیقت این است که مشایخی که این طریقه را توصیف کرده‌اند، بر این اتّفاق دارند که این طریقه در قدم اوّل، متابع خاصّ شریعت است و در قدم دوم، مداوم بر ذکر و فکر و عبودیّت و اخلاص و ایثار و نگران ذات، یعنی محو و فنای اوست.

سیّد عبدالله نقشبندی

خادم خانقاه مشایخ کبار طریقهٔ نقشبندیّه